



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۳

نویسنده : جان دبلیوایت هید

مترجم: سید حسام مل

آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر: ۲۵ سال در ترس، جنگ، نظارت و وضعیت اضطراری دائمی

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ ۲۰۲۶/۰۹/۱۱

بیست و پنج سال پس از یازده سپتامبر، باید پرسید: آیا این کابوس واقعاً پایان یافته است؟ به مدت یک ربع قرن، آمریکا بی‌ها تحت سلطه ترس بوده‌اند: ترس از تروریست‌ها و دشمنان خارجی، ترس از افراط‌گرایان داخلی و مخالفان سیاسی، ترس از حمله بعدی، بحران بعدی، وضعیت اضطراری بعدی. این ترس، جنگ بی‌پایان، نظارت گسترده، پلیس نظامی شده، محاکم مخفی، گرفتاری‌های نامحدود، فهرست‌های مراقبت دولتی، استقرار نیروهای نظامی داخلی و یک ریاست جمهوری امپریالیستی مسلح به قدرت‌هایی را برای ما به ارمغان آورده است که قبل از یازده سپتامبر غیرقابل تصور بود. اکنون مردی که قدرت‌های امپریالیستی ریاست جمهوری مدرن به او سپرده شده است، علناً خود را بر تخت سلطنت قوای مسلح ربانیک تصور می‌کند، ویرانی را بر سر دشمنانش می‌ریزد و کابوس‌ها را نوید می‌دهد. این تصاویر ممکن است از واقعیت جدا باشند، اما قدرت‌های ریاست جمهوری اینگونه نیستند. همچنین سوالاتی که توسط رفتار عمومی به طور فزاینده آشفته‌ی ترامپ در مورد اینکه آیا هر رئیس جمهوری - به خصوص رئیس جمهوری که به قدرت‌های انباشته شده‌ی دولت امنیت ملی پس از یازده سپتامبر مسلح است - از نظر ذهنی و خلق و خو برای به کار بردن آنها مناسب است، مطرح نمی‌شود. این جایی است که دو سالگرد بزرگ آمریکا در سال ۲۰۲۶ با هم تلاقی می‌کنند. در ۴ جنوری، آمریکا ۲۵۰مین سالگرد اعلامیه استقلال را جشن گرفت، که از شورش علیه پادشاه جورج سوم و سیستمی که در آن قدرت زیادی در دست یک حاکم بود، زاده شد. در قلب آن، این گزاره رادیکال وجود داشت که دولت قدرت‌های عادلانه خود را از رضایت مردم می‌گیرد. در ۱۱ سپتامبر، ما ۲۵مین سالگرد حملات تروریستی را که نزدیک به ۳۰۰۰ نفر را کشت، احساس امنیت ملت را در هم شکست و گسترش عظیم قدرت ریاست جمهوری، نظامی و امنیت ملی را آغاز کرد، گرامی می‌داریم.

آمریکا با شورش علیه یک پادشاه آغاز کرد.

۲۵ سال بعد، ما یک ریاست جمهوری با قدرت‌های فزاینده‌ی شبیه به پادشاه ایجاد کرده‌ایم. و اکنون باید با یک سوال ناراحت‌کننده روبرو شویم که بنیانگذاران به خوبی آن را درک کردند: چه اتفاقی می‌افتد وقتی قدرت عظیمی در دستان کسی قرار می‌گیرد که صلاحیت او برای اداره آن خود زیر سوال است؟ برای درک اینکه چگونه به این لحظه خطرناک رسیده‌ایم، باید به لحظه‌ای برگردیم که ترس به دولت اجازه داد تا شروع به از بین بردن محدودیت‌های قدرت خود کند.

این مسیر ناگزیر به ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

یک ربع قرن بعد، سوالات و سوءظن‌های جدی در مورد آنچه مقامات دولتی قبل از حملات می‌دانستند، چه هشدارهایی نادیده گرفته شد، آیا می‌توانستند کارهای بیشتری برای جلوگیری از آنها انجام دهند و اینکه آیا مردم آمریکا تا به حال داستان کامل ۱۱ سپتامبر را دریافت کرده‌اند، همچنان وجود دارد. این سوالات شایسته بررسی دقیق هستند، اما نباید آنچه را که می‌دانیم بعداً اتفاق افتاد، پنهان کنند. حقیقت در مورد آنچه دولت قبل از ۱۱ سپتامبر می‌دانست هرچه باشد، در مورد آنچه دولت پس از آن انجام داد، جای بحث کمی وجود دارد. از حملات و ترسی که ایجاد کردند برای گسترش شدید قدرت خود بر مردم آمریکا استفاده کرد. بیست و پنج سال پس از یازده سپتامبر، «جنگ علیه تروریسم» به جنگی بی‌پایان تبدیل شده، وضعیت اضطراری دائمی شده، دولت نظارتی همه‌جا حاضر شده، پلیس نظامی شده و ریاست جمهوری قدرت‌هایی را انباشته کرده است که انقلابیون سال ۱۷۷۶ را وحشت‌زده می‌کرد. این طنز تلخ آمریکا در ۲۵۰ سالگی است. ما استقلال خود را از دولتی اعلام کردیم که مردم خود را در معرض قوت‌های مسلح دائمی، تفتیش‌های خودسرانه، مالیات بدون نمایندگی معنادار و فرامین حاکمی قرار می‌داد که خود را بالاتر از قانون می‌دانست. با این حال، در طول ۲۵ سال گذشته، به نام امنیت ملی، بسیاری از همان شرارت‌ها را احیا کرده و آنها را در پرچم آمریکا پیچیده‌ایم.

۲۵ سال تسلیم آزادی در ازای امنیت، در واقع چه چیزی برای ما خرید؟

نه صلح. نه امنیت. نه ثبات مالی. نه دولتی کمتر مداخله‌گر. در عوض، ما قانون میهن‌پرستی و نظارت گسترده؛ محاکم مخفی و فهرست‌های مراقبت دولتی؛ بازداشت و شکنجه نامحدود؛ پلیس نظامی شده؛ جنگ‌های بی‌پایان و تریلیون‌ها قروض؛ ریاست جمهوری که به طور فزاینده‌ای از کنگره، محاکم و محدودیت‌های قانون اساسی جدا شده است. و هنوز دولت اصرار دارد که برای حفظ امنیت ما به قدرت بیشتری نیاز دارد.

این تلک است.

بیست و پنج سال بعد، وضعیت اضطراری هرگز پایان نیافت - بلکه به دولت تبدیل شد. از آن زمان، هر رئیس‌جمهوری، تشکیلات امنیت ملی پس از یازده سپتامبر را به ارث برده است. هر رئیس‌جمهوری راه‌های جدیدی برای استفاده از آن پیدا کرده است. و تقریباً هیچ یک از اختیاراتی که به نام وضعیت اضطراری ادعا شده است، هرگز با میل و رغبت تسلیم نشده‌اند. هیچ‌جا این امر آشکارتر از بازگشت به جنگ پیشگیرانه نیست. بیست و پنج سال پس از آنکه یازده سپتامبر ایالات متحده را در چرخه‌ای از جنگ پیشگیرانه، واکنش منفی و وضعیت اضطراری دائمی فرو برد، رئیس‌جمهور ترامپ بدون اعلام جنگ توسط کنگره، جنگ پیشگیرانه دیگری را علیه ایران آغاز کرده است. این چرخه کامل شده است.

۱۱ سپتامبر جنگ علیه تروریسم را برای ما به ارمغان آورد. جنگ علیه تروریسم به ما وضعیت اضطراری دائمی داد. وضعیت اضطراری دائمی ریاست جمهوری امپراتوری را برای ما به ارمغان آورد. و ریاست جمهوری امپراتوری جنگ دیگری را برای ما رقم زده است.

اما جنگ در خارج از کشور راهی برای بازگشت به خانه دارد.

نتیجه کشوری است که در آن مرزبین سرباز و افسر پلیس، میدان جنگ و محله، دشمن خارجی و مظنون داخلی به طرز خطرناکی محو شده است.

همین چرخه معیوب با نظارت نیز ادامه داشته است.

وقتی دولت سلاخی به دست می‌آورد، به ندرت آن را پس می‌دهد. بیست و پنج سال پیش، اسامه بن لادن پیش‌بینی کرد که دولت آمریکا مردم خود را به "جهنمی غیرقابل تحمل و زندگی خفقان‌آور" سوق خواهد داد.

بن لادن آمریکا را شکست نداد. او قانون اساسی را نابود نکرد. ما خودمان این کار را می‌کنیم. هر بار که برنامه نظارتی دیگری را به دلیل ترس می‌پذیریم، متمم چهارم کمی بیشتر می‌میرد. هر بار که جنگ دیگری را تحمل می‌کنیم زیرا به ما گفته می‌شود که ما را ایمن می‌کند، محدودیت‌های قانون اساسی در مورد جنگ‌افروزی کمی بیشتر می‌میرد. هر بار که کنگره قدرت را واگذار می‌کند و محاکم به «امنیت ملی» تسلیم می‌شوند، حاکمیت قانون کمی بیشتر می‌میرد. هر بار که به دولت اجازه می‌دهیم جامعه آمریکایی دیگری را به میدان جنگ تبدیل کند، مانع بین نیروی نظامی و دولت غیرنظامی کمی بیشتر می‌میرد. هر بار که شانه بالا می‌اندازیم و به خودمان می‌گوییم که آخرین تجاوز به آزادی موقتی، ضروری یا فقط علیه شخص دیگری استفاده می‌شود، قانون اساسی کمی بیشتر می‌میرد. همانطور که در «میدان نبرد آمریکا: جنگ علیه مردم آمریکا» و همتای تخیلی آن «خاطرات اریک بلر» روشن می‌کنیم، اینگونه است که آزادی در کشوری که هنوز خود را آزاد می‌نامد، می‌میرد. بیست و پنج سال پس از یازده سپتامبر، دیگر سوال این نیست که آیا تروریسم بزرگترین تهدید برای آزادی‌های ماست یا خیر. سوال این است که آیا خود دولت پلیسی آمریکا به تهدید بزرگتری تبدیل شده است یا خیر.